



تلویزیون بلاپونکت

ابجد

نیمه دوم
۱۳۵۳



فیلمی از بهمن فرمان آرا در سینما کاپری شاهزاده‌احتجاب

■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۲۴۶۵ ■ یکشنبه ۲۰مهر۱۳۹۹ ■ ۲۳صفر ۱۴۴۲ ■ ایران قرن نود و شش

بریده بریده

تهیه و تنظیم:حسین مجیدی

راه اشتباه

رستاخیز بی فرجام



لیلا ابراهیمیان/ تیر اول روزنامه‌های صبح تهران در روز دوازدهم اسفندماه ۱۳۵۳: «ایران یک حزبی شد» چند روزی بود که کاخ سعدآباد شلوغ بود.روز پنجم اسفند ۱۳۵۳محمدرضا شاه به اسدالله علم دست‌سور می‌دهد اعضای هیأت دولت، رؤسای مجلسین و نمایندگان رسانه‌ها را برای ۱۱ اسفند فراخواند، او می‌خواهد خبر مهمی را اعلام کند. وزارت دربار دعوت‌نامه را سریع آماده می‌کند و آن روز میهمان‌ها را با اتوبوس به کاخ می‌برند. شاه وارد تالار می‌شود و به فاصله کمی میهمانان هم از دلیل این ضیافت باخبر می‌شوند؛ محمدرضا پهلوی می‌گوید: «اما باید صفوف ایرانیان را بخوبی، روشن و تمیز از هم جدا بکنیم. کسانی که به قانون اساسی و نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن عقیده دارند و کسانی که ندارند…» اسم تشکیلات جدید سیاسی را هم خود عنوان می‌کند: «رستاخیز ایران» یا «رستاخیز ملی». پانزدهم اسفند ۱۳۵۳، چهار روز بعد از صدور دستور محمدرضا پهلوی برای تشکیل «حزب رستاخیز ملت ایران»، این حزب رسماً آغاز به کار می‌کند.

«ساموئل هانتینگتون» در کتاب «سامان سیاسی در جوامع در حال تغییر» معتقد بود که برای مدرنیزاسیون سریع در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و برای جلوگیری از انقلاب کشورهای جهان سوم باید نظام تک‌حزبی برقرار کنند. شاید شاه هم به این راه رفته باشد، اما هرچه بود او دیگر چون شهریور ۱۳۲۰ نه به فکر رفتارهای دموکراتیک و آزادی احزاب بود و نه می‌خواست مخالفان سیاسی خود را تاب بیاورد. حالا کتاب «مأموریت برای وطن» که شاه گفته بود: «من چون شاه کشور مشروطه هستم دلیلی نمی‌بینم که مشوق تشکیل احزاب باشم و مانند دیکتاتورها تنها از یک حزب دست‌نشانده خود پشتیبانی‌نمایم…» از کانفروشی‌ها جمع می‌شد؛ تیغ سانسور شاه به جان شاه افتاده بود.

سال ۱۳۵۳ نخستین تجربه نظام تک‌حزبی در ایران رقم خورد؛ نظامی که به گفته محمدرضا شاه قرار بود بدیلی در برابر دموکراسی غربی باشد. حالا حزب «مردم» و حزب «ایران نوین» دو حزب فرامی‌نسی از هم پاشیده بودند و شاه مخالفان حزب رستاخیز را «کمونیست مخفی» می‌خواند که این «خیانتکاران» می‌توانند بین رفتن به زندان یا ترک کشور و ترجیحاً عزیمت به شوروی یکی را انتخاب کنند. شاه روز ۱۱ اسفند در سخنانی گفت: «کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و معتقد و مؤمن به این ۳ اصل کلی که من گفتم (قانون اساسی، نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن) نباشد، دو راه برایش وجود دارد: یا یک فردی است متعلق به یک تشکیلات غیر قانونی یعنی به اصطلاح خودمان توده‌ای. یعنی باز به اصطلاح خودمان و با قدرت اثبات، بی‌وطن. او جایش یا در زندان ایران است، یا اگر بخواهد فردا با کمال میل بدون اخذ حق عوارض، گذرنامه را دستش می‌گذاریم و به هر جایی که دلش می‌خواهد برود، چون ایرانی که نیست، وطن که ندارد و عملیاتش هم که قانونی نیست، غیرقانونی است و قانون هم مجازاتش را معین کرده

است. یک کسی که توده‌ای نباشد بی‌وطن هم نباشد. ولی به این جریان هم عقیده‌ای نداشته باشد، او آزاد است، به شرطی که بگوید، به شرطی که علناً و رسماً بدون پرده بگوید که آقا من با این جریان موافق نیستم ولی ضد وطن هم نیستم. ما به او کاری نداریم. هر کسی مردانه باید تکلیف خودش را در این مملکت روشن بکند، یا موافق این جریان هست یا نیست.» هنگامی که یک روزنامه اروپایی از شاه درباره بیانیه‌اش پیرامون حزب رستاخیز و سخنانش در روزهای اول سلطنت پرسید، او چنین پاسخ داد: «آزادی افکار! آزادی افکار! دموکراسی! دموکراسی! این واژه‌ها یعنی چه؟ هیچ کدامشان به درد من نمی‌خورد.»

در آن ضیافت فضل‌الله صدر، دبیرکل حزب ایرانیان اعلام کرد که روزنامه ایرانیان ارگان حزیش از شماره آینده ناشر اندیشه‌های حزب رستاخیز خواهد بود و محسن پزشکیور، دبیرکل حزب پان‌ایرانست همان شب اول در مصاحبه‌ای پیوستن همه زنان و مردان حزب متبوعش به حزب رستاخیز ایران را اعلام کرد.

علم، وزیر دربار هم از همراهی‌اش با رستاخیز خبر داد. شاه هم از مزایای نظام تک‌حزبی می‌گفت: «اما معتقد هستیم همه مردم ایران باید برای رسیدن به هدف‌های ملی که سعادت و آسایش فرد فرد ما را تأمین خواهد کرد متحد باشند و در یک جهت حرکت کنند، همه کوشش‌ها باید در راه پیشرفت کشور باشند، نه خنثی کردن تلاش‌های یک‌دیگر. در نظام چند حزبی امکان تفرقه و تشتت بسیار است. هر گروه که در حزبی هستند با دیگران بر سر کسب قدرت و به دست گرفتن حکومت سبیز و دعوا دارند. هر گروه می‌خواهد حرف‌های خودش را به کرسی بنشاند و در نتیجه اختلافات به وجود می‌آید. در حالی که در حزب رستاخیز از جنگ گروهی خبری نیست.»

او مأموریت داشت تمام مردم کشور را به نشانه وفاداری بدون قید و شرط نسبت به شاه در صفی واحد متحد سازد و بر طبل شکوفایی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بکوبد. اما دیری نگذشت که رستاخیز با بودجه‌ای سالانه دو میلیون تومان که دولت آن را تأمین می‌کرد و صرف حقوق کارمندان اداری حزب می‌شد، تبدیل به ساخтары شد که داریوش همایون آن را «چیز بی‌شکل» و غلامرضا افخعی آن را «بی‌حزبی» نامیدند. اهداف حزب رستاخیز با نتایج و دستاوردهای آن متفاوت بود؛ هدف حزب تقویت رژیم، نهادینه کردن هر چه بیشتر سلطنت و فراهم کردن پایگاه اجتماعی گسترده‌تر برای دولت بود اما این چهار سال هر روز فاصله جامعه با شاه بیشتر می‌شد. شاه در کتاب «پاسخ به تاریخ» درباره حزب رستاخیز نوشت: «بدبختانه، غلط بودن فکر ایجاد این حزب در عمل به اثبات رسید. حزب رستاخیز نتوانست به هدف‌هایی که به خاطرش ایجاد شده بود نائل شود.» حزب رستاخیز تشکیل شده و همه چیز آماده بود تا شاه الگوی تازه از حاکمیت فردمحور را به جهانیان ارائه کند؛ حاکمیتی که البته در نهایت جز سقوط و ناکامی فرجامی نیافت.

در بازدید کارشناسان و مهندسان آلودگی هوا و شرکت ملی گاز ایران از تأسیسات شرکت واحد و تاکسیرانی، طرح استفاده از سوخت بنزین و گازوئیل و گاز در موتور اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها مورد بررسی قرار گرفت. مقامات مسئول اعلام داشتند که کارشناسان شرکت ملی گاز و گروهی از کارشناسان فرانسوی مجری این طرح خواهند بود. تبدیل سوخت بنزین به گاز برای هر دستگاه اتوبوس و تاکسی هفتاد هزار ریال هزینه دارد. مهندسان خاطرنشان ساختند که این سرمایه‌گذاری از محل تفاوت قیمت بنزین با گاز در مدت کوتاهی مستهلک خواهد شد. قیمت هر لیتر بنزین ششش ریال، گازوئیل دویتم ریال و گاز سی‌شاهی است. برای توزیع سوخت گاز در تهران، اقدام به نصب مخازن

توافق‌های ایران و عراق اعلام شد

قرارداد الجزایر

متن اعلامیه مشترک تاریخی ایران و عراق که پنجشنبه [۱۵ اسفند ۱۳۵۳] انتشار یافت بدین شرح است:
طی اجلاس کنفرانس سران کشورهای عضو ایک که در الجزیره برگزار شد به‌یتکار پریزیدنت بومدین [هواری بومدین رهبر الجزایر] شاهنشاه ایران و صدام حسین معاون شورای فرماندهی انقلاب عراق در دو نوبت با یکدیگر ملاقات کردند و به تفصیل درباره مناسبات میان ایران و عراق به مذاکره پرداختند. این مذاکرات که در حضور پریزیدنت بومدین انجام گرفت آمیخته از صراحت و اراده صادقانه دو طرف برای دست یافتن به یک راه حل قطعی و پایدار جهت کلیه مسائل معوقه میان دو کشور بود.

با رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوزناپذیری مرزها و

کارخانه سیمان آبیک افتتاح شد

کارخانه سیمان آبیک با تولید ۳۵۰ تن سیمان در روز و بالاترین ظرفیت در میان همه کارخانه‌های سیمان کشور، دیروز [سه‌شنبه ۷آبان ۱۳۵۳] آغاز به کار کرد. این کارخانه که در ۵۵ کیلومتری جاده تهران–قزوین قرار دارد با اجرای یک برنامه توسعه تا پایان سال ۱۳۵۶ ظرفیت خود را به دو برابر یعنی ۷۰۰ تن در روز خواهد رساند. در مراسم افتتاح کارخانه، فرخ نجم آبادی وزیر صنایع و معادن در گزارش مربوط به احداث این کارخانه گفت: «عملیات ساختمان بزرگترین کارخانه سیمان ایران با سرمایه‌گذاری شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان و ۴/۵ میلیارد ریال هزینه

بنابر اظهارات کارشناسان، بارش سنگین برف، محاسبات و طراحی غیر کارشناسی و استفاده از مصالح غیراستاندارد

در سقف و ستون‌های نگهدارنده آن، باعث ریزش سقف سالن ترمینال فرودگاه مهرآباد شده است. بلافاصله، مأموران پلیس فرودگاه، جریان حادثه را به اطلاع آتش‌نشانی، شیر و خورشید سرخ ایران، بیمارستان‌های نزدیک فرودگاه و مسئولان امر رساندند.»

پس از این حادثه، ساختمان جدیدی برای فرودگاه در محل فعلی آن بنا شد و سازمان اورژانس با همکاری کشور امریکا در تهران و سپس سایر شهرها تأسیس شد. زیرا فقدان یک نهاد امداد و

آغاز طرح تبدیل سوخت و سایتنقلیه

اتوبوس‌ها و تاکسی‌های تهران، گاز سوز می‌شوند

و پمپ‌های تحویل خواهد شد و در این پمپ‌ها گاز مایع بوسیله انژکتور با فشار به مخزن اتومبیل ریخته می‌شود. تاکسی‌هایی که به این ترتیب سوخت گاز مصرف می‌کنند، در صورت لزوم از بنزین نیز استفاده خواهند کرد. کارشناسان اعلام کرده‌اند که جایگزین شدن مصرف سوخت گاز بجای بنزین و گازوئیل در اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها موجب رفع آلودگی هوا خواهد شد و در نظر دارند با ایجاد احتراق کامل در هزاران موتور، از آلودگی بیشتر هوا جلوگیری کنند. مقامات مسئول در نظر دارند با اجرای طرح بی‌دود کردن موـتـور اتوبوس‌ها و اتومبیل‌ها به منظور پاک‌سازی هوا، دارندگان اتومبیل‌های سواری را نیز به نصب انژکتور گاز سوز تشویق کنند.

عدم دخالت در امور داخلی، طرفین تصمیم گرفتند:

۱– مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ سال ۱۹۱۳ و صورت جلسه‌های کمیسیون تعیین مرز مورخ سال ۱۹۱۴ تعیین کنند.
۲– مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ تعیین نمایند.
۳– با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت و طرفین بدین سان متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هر گونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد اعمال کنند.
۴– دو طرف توافق کرده‌اند که مقررات فوق عواملی تجزیه‌ناپذیر



جهت یک راه حل کلی بوده و نتیجتاً بدیهی است که نقض هر یک از مفاد فوق مغایر روحیه توافق الجزیره می‌باشد....

الجزیره – به تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵

روزنامه اطلاعات– شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۵۳



روز شمار

گردآوری:محمدگرشاسبی

